

P Extra 5

میرزا حسن

دقیقه معتمد در سال ۱۳۱۵
مدرسین کمالی در کلاس

۲۹ مرداد ۱۳۱۵

حاکم

(۲۱۴)

23.7327

مناقشه اول سال

قیمت سالیانه در اداره همدان
در خارج بانضمام وجه بست
بشاریح یکشنبه بیست و دوم
ماه ذی الحجه الحرام سنه هجری
کمال ۱۲۰۳ قمری مطابق بیست و دو
ماه فروردین سنه مسیحی

فوق

اداره جریده علمیه نوروز
طهران محل نشر
کلیه مواد را باید کل بهر حال
امیر اداره و دبیرخانه آقای
کاظم خان طبیب کوفی
محل رجوع و توزیع اداره است

که اگر چه در مطبوعه را بعد از مساعی و زحمات بسیار و فواید عامه که در هر روز
مطابق با درون ملت باشد بفرستد و مجاناً طبع شود ما بهیچ وجه که طبع شود
معلومی نماند از این نشریات از آن جهت که در هر روز در هر حال و در هر وقت
مطلوبه می شود و در هر روز در هر وقت در هر حال و در هر وقت

(فهرست مندرجات)

- وضع این جریده علم تجار نسک اکرام
- عبادات استلزامی بجهت اعتقاد در علمیه
- اعتقاد مبتکرین استنداره زمین
- تحصیل ثروت اشیا عجیب
- الاسماء اثرک من السماء لغت قضا ملاس
- نوساطان نایسلطت قدر جدال انام

بنای این جریده علمیه و غرض از وضع و حفظ استقامت
علمیه و طریق تمدن و نقل عبارات استلزامی و فضلاء
و شرح حال علماء در هر علم و در هر مقام البتة
و تاریخ و هندسه و هیئت جغرافیا و طب است آنچه
که منقول و تعلیمی باشد حق المدارس و کتابخانه و
موضوع و مجبوث عنده است مطالبه و لایق و چون
بخت نخواهد شد مگر آنکه متوقف علیه مجبوث عنده باشد

آنها بطریقی خوش

و نیز در مدح اولیاء دولت جایزیدایت که مروج و مشوق
علوم و اهلش اند کوی تا بهی نخواهد شد آشنا صاسد

(بنام خدا ان افترین)

(وضع جریده علمیه نوروز)

اوله

سائل

صنعت

کاسد بکلی ما بوسن باشند و از برای آنها انظار کشید
و از قبول این جزیه امتناع نمایند و نیز خواهی باشند
فازیم که تجار و اعداء علم و دشمن تمدن از دست او بماند
این جزیه نو فرما از معفو و خود را از جنت دهند که
فرستاده نخواهد شد و هرگاه ندانسته از برای یکی از
آنها فرستاده شود پس از علم و اطلاع از خالتی مقصود
خواهد شد

علم تجارت و صنعت

اشخاص با علم و عقل و سیاست و عالم و تمدن از بی تو
آدم دانند که آبادی مملکت و ثروت و دولت مملکت
بهرت تجارت و صنعت است و تره تجارت و موهو بعلم بانست
پس علم تجارت و صنعت لازم و علم ثروت است
یکی از عقلاء فرنگ گوید اگر او یا ایشان موصل بعلم
تجارت نمیشدند صناعات آنها بحال عقول عالم
همی شد و اقتدار این مکره کرده ارض را فرا میبردند
و ثروت آنها اهل دنیا را بخود میبخشیدند
واضح است که فرنگیان صناعت را بواسطه تجارت
نمودند و اقتدار و سلطنت را از برکت تجارت یافتند و

تجار ترا بعلوم تکمیل نمودند و اگر تجار ترا پیشتر خود
نمیشدند هر اینه مصرف صناعات خود را نمی جیبند
اگر صناعات آنها رواج نداشتند این درجه را تکمیل ناقصا
صنعت خود سیاهی بودند و اگر صناعات آنها کامل شد مردم
زیبتر و شکار و خود میگردند و ثروت عالم را بقوت تجارت
و صناعت تجار میبوندند و اگر یکا این درجه را از برای ثروت
نمی شدند در تعبیر ممالک و اصلاح مسالک نمیگوشیدند
و باین پایه مقام علم را در مملکت خویش مرتفع نمیکند
بواسطه علم از منتهای درجه غریب با فضل بلا در شرف خود
رسانیدند علم تجارت را اهم مقاصد خود دانسته
از فواید و نایب آن فرو گذار نمیکنند همین بود علم
تجارت که معنی تجارت را ترویج امنعه و طنبه خود دانسته
نه دست فروشی و ترویج امنعه خارجه خارج کردن
طلا و نقره و طلا را در آنها اشیا را حاصل اجانب

از این مقدمه مانده ترتیب مغزی و کبریه نتیجه معلوم شد
ثروت دولت مملکت منوط به تجارت و صنعت است هر
تجار علم لازم دارد پس ثروت و موهو قوت بر علم است
شکل اول و بعد بجهت الانساج و بکواحد و اجمال انکاب نیست

چرا ما با نیا بن بچه را از دست بدهیم و از فواید علم
تجارت به خیر نایشیم و چرا این علم را متروک و از جادو منتهی
شدیم یا اینکه صاحب شریعت مطهره اسلام در برابر
باها سر مشق داده متروک کن از دیم انشاء الله در
نرمه بعد مرغوبت مطلوبت اتم بودن تجارت را
در نزد صاحبش و در وسایع و صنعتی غیره

اهداء و ایفاد خواهم نمود

(سپاه گران)

یک نفر ز اهل کومان مستحق حاج اکبر که نقل سامعه
دارد صنعت او است اجامت و صنعت بیخ چندگان
خوب باز او دیده شده است

اول آنکه قالی بر جسته از کار در آورده که نقش آن
از قبل کل و بزرگ و شاخه و بر جسته محتم قرار داد
و زمینیه کار و امثل قالیهای متعارف در آورده

این کار را یعنی قالی بر جسته تمام نمیکردند اما قبینه
کار و امثل کلیم در میان آورده اند که با اصطلاح آنها پوز
نداشتند لا پوز دار است

تا نیا آنکه این استاد ماهی مغل تمام کرد که شبیه میوه

گویی است در کمال ظرافت و خوبی و نهایت استیحا
که تصدیق اهل خیره بهتر است از مغل خارجی
تا لثا آنکه حوله در آورده است کار که خیلی ظریف
محکم و ارزان و مدعی است که ماهوٹ بسیار خوب
تمام میکند که ارزان تر و بهتر از ماهوٹ متعارف
خالاکوزگان و غیره تمدان و در وساء ملت کهنه

میفرمودند و این اتمه البسه بدستیم در پیو هم وطن
خود شام نسوج میشود استعمال میکردند و در پیو
میفرمودند تا قلا بنا سو مردگان خودشان را میسازند

از چیه و از که ساخته و پرده اخنه پیشداوی و از نیش
که بنفین بر زخمه مردگان گرفتار نبودیم
باز آمیخته ما بوس نیشیم البسه بزرگها را میسازند

و مورد بخصوص از ایام که خیلی اهمیت دارد است
البسه خودمان و ترک اتمه غیر خودمان
(عبازات سائیدر کربلیو)

حتی الامکان در این دو زمانه در مسائل علمیه عین عبازات
سائیدر که میشود بخوا ترجمه بخواهید بگو البسه کن
مفقا معینک یاداره از سادارد با اسم فرستند باین عبازات

در کج خواهم نمود

(اعْتِقَادِ مَسَائِلِ عَلِيٍّ)

مسائل علی که درج میشود اعتقاد صاحب امتیاز
و نگارنده مکلفند و فقط نقل است با اعتقاد
بر طبق مکتوب باشد و شاید نباشد مثلاً در خال
زمین که اثبات حرکت زمین فامیکنیم شاید اعتقاد
بر خلاف باشد و یا بالعکس و قرع علی هذا

(اعتذار)

در القاب بنا بر اختصار است و آراء از قبل نیست
الیه بزرگان دانشمندان اغماض خواهند نمود

(مبتکران و مخترع)

- ۱- اول کسی که تکلم کرد بجهت شرافت و افتخار و استقامت بود
- ۲- اول کسی که تکلم کرد بطریق مشابهت بر اوسط لیس بود
- ۳- اول کسی که علم منطق را وضع کرد نیز اوسط بود
- ۴- اول کسی که علم محسوس را وضع کرد بظهور بود
- ۵- اول کسی که علم طلسمات را وضع کرد در پلناس بود
- ۶- اول کسی که علم موسیقی را وضع کرد فباغوش حکیم بود
- ۷- اول کسی که وضع هندسه بود او قلدن بود
- ۸- اول کسی که تکلم بفریب بود حضرت شامی مجنون بود

۹- مخترع خط نسخ محمد بن قنبره وزیر در زمان مأمون
عباسی بود

۱۰- مخترع خط نسخ تعلیق میر علی استاد میر عابد در
دولت شاه عباسی بود

۱۱- مخترع خط شکسته شافعی بود ۱۲ اول کسی که
شماره را وضع کرد جمشید بود بعضی گویند سلیمان پیغمبر ۱۳

اول کسی که شمار در ایران نظام الملک طوسی بود
۱۴- اول کسی که قرار داد عامه سیزدانشانه سپید

ملک اشرف پادشاه مصر در مصر بود بعضی گویند
مأمون عباسی بود

۱۵- اختراع بار و طرد زغال معوقه را اسکندر پدید
آورد

۱۶- اختراع غلبان و تنباک در ایران در زمان شاه
عباسی اول شد

۱۷- اول کسی که علم خود را تاسیس کرد حضرت شامی
عبد السلام بود

۱۸- اول ناپادشاهی که کمر در داخله ایران را بگشود
کزاره بر عموها را ایران را علی بن عثمان شاهنشاه معد

اگر منظور از این شاه تا جا در سنه هزار و سیصد و نود
 بود سابق بر این جنس که وارد شهر میگردند کم از
 مائو زمیندا شدند شاید یک منافر که از شهر بیرون
 میروند تا ببلد مقصود میسریند که جا از او کم مطالبه
 میگردند و لدی لور و در شهر به لباسها مامون
 آنسافر و حضور جمعی تا محرمه را نه میشد این ظاهر
 معبد این شاهنشاه کا آگاه بصورت و بر نظیر قسطنطین
 اشرف تا بلک اعظم من اعلا اصغر خا صد اعظم بر شد
 و نیز کرد سرحلات در تعریفان و بر عهد این شاهنشاه
 کا آگاه آمد چنانکه در هر شاهنشاه الله خواست (با در)

اسنداره و کویت زمین

از تمدن و دانشانیت و راست کشیکه بی لایا زیارت
 دخیاط و اطاعت منزل داشته شد و از او بریند
 اطاق تو چینی اچاط تو بچه طول و عرض واقع شد
 نلانچه قدر این جمل قبیح و رکک است بر ما مرد ما
 که در این کره ارض خانه مشترک میکنیم در این صحیح نیست
 خبر و جاهل باشم بدانیم که این سقف بلکون و سیاه
 و وزان چه هستند و مادری که واقع شدیم برین بخش

حال از مختصر از زمین که در او ساکنیم ذکر میکنیم
 پس از آن از بنا که ستاد است که سقف طاق و حیاط مائو
 زمین نمود اندکی از آن لایا زمین اسنداره و کویت است
 بطریق شلجی شکل و کوبیم زمینها کوز و مد و راست
 کوبت زمین چنانند که لایا زمین و مسلم است محل انکا
 و شد با این نیست لایا و بر این زمین منعت بسیار دارد و
 شایسته ترین و اسهل لایا کوبیم و آنچند لیل است

اول آنکه چون در دشت وسیع یاد رسا حله دریا باقیم
 و با چشم ناز و برین نظر نگریستیم بصر ما تا حد مشخص
 معینه بر زمین هر سکه و از چند فرسنگ که تجاوز نمود هیچ
 پیشتر چرا که آنوقت شعاع دیگر با زمین تعاطع نمیکند
 این حالت البته بسبب انحناء سطح زمین است و اگر این سطح
 مسطح بود چون مانع دور بصر واقع نیست آینه زمین
 بسیا بعد هر چیزی دیده میشود و حال آنکه گفته چون
 ساحل دور شود و بجز از سگ اسفل نمی شود تا بر آن کل
 رسد و آنوقت که به ساحل توجه نماید آلس کوه دیدار شود
 و بعد بقیه اجرا می دیگرش از اعلی که به اسفل تا باجره
 مجاور سطح آب رسد (بقیه در آخر)

تحصيل ثروت

یکی از دانشمندان امریکایی طریقه حصول ثروت را این قسم
مینماید که هر کس طالب تحصیل ثروت باشد با این شرایط ملا
کند اول پایداری بدین خود دوم اجتناب از سگوا
ثروت پای بندی بوقت و موعد چنانچه استقلال دارو
یغیر استقامت در مزاج

مناظره کلامیه محمد بن ابی بکر

اقطاب تحقیقه امه مجتهد را منظر زد و از ده دانشمند دیگر
در تشخیص موضوع آن اختلاف نموده اند و این عجز استقلال نظر
نموده با وجود تعصب که قطب نمیشد مگر از اهل بیت تعیین
موضوع آن لازم و طریق اثبات آن بر دو کلی بر سه نوع است
نوع اول طریق عامه و آن نقل متصدا صاحب و صحاب
در آن چندین نهاد است اول شهادت صحابه
خاکسار در کتاب مهاده بود که در کتاب شرع ابوالجاسک
دیده است که در جنگ دویبیا که در کوفه و کربلا و ارباعه
دو هتکامی که مهاده نواز در بیت کناه بفریب کثره کناه
امتناع از قبول امر غیر زور و نفی از منکر برنجید و رکوع
اعتزال نموده بر وجه خود کوزا پار بقی که ام الجاسک سخور

حلقه حضرت امام از طهر در نوبت کمال بود که در راجع اشاده
و در آنجا تصریح بجمله حضرت خاتم النبیین و در از در کوزا
عتر طاهرین و اسلا الله علیهم اجمعین کرده و نص بر افضلیت
ایشان بر جمیع مخلوقات نموده (بقیه دارد)

الاسماء من راضی السیاق

نخستین نامی که از برای این جریده علمیه وضع شده بود
(مندن) بود و کوشش مستطاب اجل افای ندیم السیاق و زینب طابا
دام اجلاله العالمی که در واقع مؤسس و مؤجد این جریده
مینباشند و بر حسب امر ایشان و تشویق آنحضرت نکات
اقدام در این امر خیر نموده و مستقبل شدم که این مرحله
بر بهیام بملا حظ این لفظ تمدن را صلاح ندید
و بمناسبت اینکه در عهد نو رو ابتداء این جریده علمیه
انتشار آن میشود این قسم صلاح دانستند که او را
مستعمل بلفظ نو رو نمایند چون اطاعت ایشان را بر نحو حق
دیدیم لهذا اجزاء اداره را بنام نو رو و اخبار و این نام
میسوزن بشکرت گردید اما پسند است که همواره مطالب علمیه
اخبار را بشهرت بطریق مرغوبه مسألوه مطلوب بقلم

ساده و سهل در این جریده نو و زو بمشتر کین عظام

۱- اناث جمع انثی بر وزن کتاب است و بضم غلط است

اهداء و ایفاد اربعم

۱۱- الحث بالکسر و بالفتح من الاغلاط (بقیة ذوات)

الغائت

قضا

بعض از لغات عربیة ابرایام در السنه بعضی مشهور و بعضی

قاضی کسرا گویند که حکم کند بین دو نفر یا زیاد

خلافها بر حسب خواهرتیک نظر از دستا تو شد

که معین باشد بحکم مشخص

۱- فحاشه بر وزن ثمامه است بر وزن غفره غلط است

شناختن قاضی بر هر کس لازم است حکام عرف باید

۲- بعضی نسبت به بر وزن سفینه و با همزه اش گفتن

قاضی را بدانند تا رجوع مراجعه با او نمایند مردم باید

بعضی سنیه بکسر الون و سکون الین غلط است

شناختن تا رجوع بغير آن نکنند انشاء الله یزاد

۳- ذایه کل ما یش علی الارض و غلب علی ما یرکب و انحصار

معرفه قاضی و احکام قضاء حد و دوسیا سناست

بعضی بالفرس خطاء

شرعیة زاهم بیان میکنند دو آذده سفینه بر وزن

۴- الارزب بالفتح خرگوش و گفتن بعضی ارب بکسر

قاضی و حکام شرح باشد که اگر یکی از این مقام دوازده

غلط است

کانه مفقود باشد ترافع در نزد شرعیا بر نسیه و حوا

۵- معد بکسر الواو و گفتن بعضی بفتح غلط است

است اعانتا و چه جای اطاعت

۶- المنصب بر وزن مجلس بمعنی اصل است لفلان

اول قاضی نماید بالغ باشد یعنی سزاوار از این بزرگتر

منصب زان میخدا میلود فعد و بفتح الصاد غلط

دویم آنکه عاقل باشد ستم آنکه مرده باشد

۷- النکبة بالفتح المصدنه و قول بعضی بالکسر من الاغلاط

چهارم آنکه مؤمن باشد پنجم آنکه عادل باشد

۸- البیانه بالفتح صحیح و بالضم من الاغلاط

ششم آنکه حلالزاده باشد هفتم آنکه قدر و بر وجهی

۹- و دعاء العبد لربه اللهم یا ارحم الراحمین انه اودک

نوشتن داشته باشد هشتم آنکه آزاد باشد

تقیه هذا و ثبات دینی بفتح التاء المثله و بضم ثا غلط

لهما آنکه کور نباشد دهم آنکه فراموشی او
 زیاده نباشد یعنی غالب نباشد نسیانش بر ذکر او
 یاد هر کسی باشد که کوالی او بر مدعی و مدعی علیه
 باشد پس اگر چنین نباشد صحیح نیست چون قضا و فرزند
 و کینه بر آقا و دشمن بر دشمن و فایز و ممان که بجهد
 باشد و اجتهاد چند علم لازم دارد (بقیه دارد)

مدارس

چند است که جزو این سخن از مدارس میسرند و پیوسته است
 از سبب بزرگان و دوستی ازان علم که اقدام در افتادن
 کردند و خوشندار اینک دایره علم و سعه حاصل نموده و ابرار
 علم علیا افراشده از این بنا نماند شاید در خارج کمان برسد
 که تا کون علم در ابرار و قیام داشته تازه ابرار با ما بل علم
 و در افتاد مدارس بر آمده شرح این طلب اهمیت دارد اول
 بدانند که این مدارس که در جزو این مذکور است عبادت و تقوا
 و تقوا ابران سابقات بطلب صحیح وضع در گذارند این با هم
 بزرگان و اقدار علماء و اولیاد و اول مرتبه شده (بقیه دارد)

سیکندری ازوم سلطان

سیکندری عبادت است از بدین نظر که خود در

جماعات و اجتماعات که بعد از هبته اجتماع منزل مسیبا
 بر وجهی که مؤدی بصلاح امر و معیشت و معاشی بود باشد
 مدبران این نوع از مدبر صاحبان این نوع از نظر سلاطین
 پادشاهان مسیبا پس وجود سلاطین لازم و واجب است بر آنکه
 و انواع استادان از خود مختلف و در عقول متفاوت و
 در اعمال و عادات حرکات ایشان در غایت اختلاف و از هر یک از
 الهاد اصفا و حرکات خود مقصد غیر مقصدی مسیبا (بقیه دارد)
 وقایع ایام و اتفاقات و حالات ترا از قبیل مسافر و تولد
 معا و امور که بحدت تاریخ و آن لازم است در این جدول
 نویسد

تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ
۱۳۲۰ هجری	۱۳۲۰ هجری	۱۳۲۰ هجری	۱۳۲۰ هجری
عید و سلطان	عید و سلطان	عید و سلطان	عید و سلطان
طریق محرابان کماند	طریق محرابان کماند	طریق محرابان کماند	طریق محرابان کماند
در تمام این روزها باران متفاطر بود	در تمام این روزها باران متفاطر بود	در تمام این روزها باران متفاطر بود	در تمام این روزها باران متفاطر بود
اکثرین روزها باران متفاطر بود	اکثرین روزها باران متفاطر بود	اکثرین روزها باران متفاطر بود	اکثرین روزها باران متفاطر بود
هوای معتدل و معتدل بواسطه امانت	هوای معتدل و معتدل بواسطه امانت	هوای معتدل و معتدل بواسطه امانت	هوای معتدل و معتدل بواسطه امانت
خرابی عمارت و بلینیه اصلاح	خرابی عمارت و بلینیه اصلاح	خرابی عمارت و بلینیه اصلاح	خرابی عمارت و بلینیه اصلاح
معتدل و صاف	معتدل و صاف	معتدل و صاف	معتدل و صاف
ابر و استعداد با مان طرف صبح	ابر و استعداد با مان طرف صبح	ابر و استعداد با مان طرف صبح	ابر و استعداد با مان طرف صبح
با مان خرابی طرف عصر	با مان خرابی طرف عصر	با مان خرابی طرف عصر	با مان خرابی طرف عصر
بوف فوق العاده و سردی هوا	بوف فوق العاده و سردی هوا	بوف فوق العاده و سردی هوا	بوف فوق العاده و سردی هوا
در تمام شب این روز و بعضی روز	در تمام شب این روز و بعضی روز	در تمام شب این روز و بعضی روز	در تمام شب این روز و بعضی روز

ادار
 حله
 کلیه
 این
 قدر
 اعلا
 مرا
 بر
 تش
 حال
 محله
 قاه
 بنا
 زما
 در
 تعب